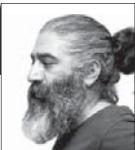


درباره هنر سیاسی و نمایشگاه ویدئوآرت‌های هامد جابرها

هنر سیاسی نداریم



صالح‌تسیجی

هنری و خرید و فروش و بیشتر از آن نمی‌دانند و از نظر دانایی، محدودند به جزوه‌هایی که در برگ‌برگشان تاریخ معاصر ایران نادیده گرفته شده و کتاب هم که می‌نویسند، باید عنوان‌اش را گذاشت کتاب که نه، دروی فراموشی.

بعد از این شروع توفانی، باید گفته شود که هنر لزوما

امری سیاسی نیست اما زدودن آن بخش از هنر که به

سیاست و در پی آن اجتماع و تاریخ وابسته است، حرکتی هدفمند است که نتیجه‌اش می‌شود لیخند در تاریکی.

هیچ‌کس نمی‌بیند و نمی‌شنود و هنری که در این وادی پست‌نیده می‌شود، آن شاخه‌ای است که می‌آید و می‌رود و می‌فروشد و به هیچ‌کجای اجتماع نه برمی‌خورد نه

شادش می‌کند. هنردوستان گریزان از امر سیاسی، یعنی آنهایی که نفی می‌کنند و می‌گویند کلا هنر سیاسی نداریم، در متوسط‌بودن دست‌وپا می‌زنند و در بی‌فایدگی خود خوش‌اند.

ایران با این تاریخ پریچ‌وخم، دست‌کم در صدسال

گذشته، همیشه در سیاست گیر و گرفتار بوده و هیچ خانواده‌ای نمی‌شناسی که یکی، دو نفر از اعضای آن اهل

سیاست نبوده باشند. از برندگان باشند یا بازندگان، تابلوی بزرگ جامعه ایرانی نمی‌تواند خالی از سیاست تحلیل

شود. سیاست اغلب با ایدئولوژی زاده می‌شود و پیش می‌رود. ایدئولوژی در ۷۰ سال گذشته اذهان ما ایرانیان را

در جنبره خود گرفته بوده و هنوز هم با وجود اینترنت و دسترسی وسیع‌تر به اطلاعات جهانی، ذهن سیاه و سفید و مطلق‌گرای ایدئولوژی در همه طبقات جامعه، حکمران اصلی ست. اگر بپذیریم که هنر حاصل تجربه زیستی هر هنرمند است، چطور می‌توان به این دروغ رسید که هنر سیاسی نداریم؟ اگر هر انسان ایرانی و هنرمند وطنی، از حذف نوسان دائم و شدید اقتصاد، محدودیت و آزادی، رنج بیماردراری، دربه‌در شدن در راهروهای اداره‌جات و بیمه، ناتوانی از پرداخت قسط اتوموبیل و بانک، هر صبح برخاستن و تماشای تغییر غیرعادی قیمت‌ها، اخبار ناخوشایند، روزمرگی خسته‌کننده، محیط‌زیستی گرفتار در سوءمدیریت، شادی موفقیت‌های کوتاه و شکست‌های بلند، بازیچه‌شدن در معانی امید و غرقه‌شدن در ناامیدی

تجربه‌ای گروهی با انفرادی نداشته باشد، آن‌وقت می‌توان گفت هنر سیاسی هم نداریم. بله این تجربه‌ها هستند که در سینما، موسیقی، نقاشی، هنرهای مفهومی و هر رنگ و نوری که بتوان نامش را هنر گذاشت، بازتاب دارند و هنر به‌عنوان امر بیانگر و دریچه‌ای زیباشناختی به جهان، بازتاب این تجربیات است.

منظورم آن هنر گل‌درشت سیاست زده نیست که

هنرمندانش به سودای توجه و نان، چهره معروف‌ها و سیاسی‌ها را کار می‌کنند و بعضا به هر آب و آتشی هم می‌زنند که اثرشان را به او یا بازماندگانش بفروشند. هنر

سیاسی آن هنری منظور است که از جان جامعه سخن می‌گوید. شعر یا نقاشی، موسیقی یا پرفورمنسی که در مجاز و استعاره، جامعه را در جالش دردناک سیاست‌زدگی تحلیل می‌کند و انتقادش از جنس بوم است یا نکاتپو و نت موسیقی، موضوع ساده نیست، وقایع تاریخی و نمادهایی که به شکل بطنی در آنها ساخته و رشد کرده‌اند، می‌توانند موضوع هنر سیاسی باشند. بدیهی است که هنر لزوما سیاسی نیست. اما برخلاف ادعای سیاست‌زدایان و کنج‌نشینان، باید گفت هنر سیاسی «هم» داریم. نمونه‌ای که برای مثال می‌توان آثارش را بی گرفت، هامد جابرهاست. او در تمام این سال‌ها قدم به قدم به مضامین روز اجتماع نزدیک شده است. در مجموعه قبلی خود با عنوان زوال، هنوز در لافافه حرف می‌زد. کالد بی‌جان موجودات را در ژلاتین می‌گذاشت و از کلیات می‌گفت. اما هفت سال پیش وقتی در یک نمایشگاه یک‌روزه سراغ موضوع ۲۸ مرداد آمد، صریح و مستقیم رفت سراصل مطلب. اثر او با سوزوه «سرگرد سخایی»، قلبی بود در جعبه‌ای شیشه‌ای که در شرایط بسته و خفه، بی‌هوا، در ژلاتین داشت می‌کندید. سرگرد سخایی(که بعدها بر بیکر بی‌جانش، نامش، درجه سرهنگی چسباندند و خیابانی در مرکز تهران هم به نامش کردند) رئیس شهرداری کرمان بود و طرفدار محمد مصدق. روز ۲۸ مرداد او را گرفتند و کشتند و در شهر چرخاندند. گویی قرون وسطی باشد. آن قلب که هامد کار کرد، می‌تواند نماد قلب شکسته طرفداران آزادی و استقلال این وطن باشد. می‌تواند واکنش یک هنرمند باشد به تاریخ خود. تاریخی که مدام تکرار می‌شود.

جابرها در نمایشگاه تازه خود سه ویدئو ارائه کرده. در

یکی از این ویدئوها ما ستونی می‌بینیم که در روشنایی روز، در نمایی کوهستانی آرام آرام شروع به سوختن می‌کند. این ستون تکثیر همان عصبه قلب است. قلب‌هایی کندیده و در ژلاتین به زوال رفته را روی هم چسیده و آتش زده است. قلب‌های درهم‌شکسته، ستونی شبیه و یادآور دکل نفتی به مرور و با صدایی ریز می‌سوزد. این ستون سوزان از روز تا تاریکی شب می‌سوزد و در سقوط آن نوعی کرختی هست که یادآور سرنوشت ما ایرانی‌ها و ماجرای نفت است. روز به شب. درست همان مسیر تاریخی تکرار شوند.

جابرها در ویدئویی دیگر بر جنک تحمیلی تمرکز کرده و جسد سربازی داوطلب را موضوع قرار داده که آرام در گلزاری با گل‌های زرد درحال تجزیه‌شدن است. انگار این تن همان قلب باشد، کل کالد در قالب یک قلب بوده باشد و این زوال تمام‌شدنی نیست. مانند خاطرات جنگ که از روح زنگارپسته ما جنک دیده‌ها زوده نمی‌شود و کالبد‌های بی‌جان از خواب و خیالمان بیرون نمی‌روند.

در ویدئوی سوم ماهی بخت‌برگشته‌ای می‌دهد جان. ماهی دارد از روح خود خالی می‌شود. جابرها در بیان‌های اشاره‌ای کلی کرده اما اثرش صراحت سیلیی زنده‌های هست:

در هر سه ویدئو دوربین ساکن است. خودش را جای بیننده می‌گذارد....

یادداشت

مروری بر «خاطرات پری و گنجشک‌ها» طراحی‌ها و نقاشی‌های پرویز حبیب‌پور در گالری گویه

تو خطوط شباهت را تصویر کن

جواد آقاجانی، پژوهشگر و مدرس هنر؛ لوسین کلدمن (فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی) در بخشی از نظریاتش اثر هنری/ ادبی را محصول درک هنرمند از حزب/ حلقه‌ای که در آن عضو است می‌داند. در این نظریه اثر هنری حاصل نگرشی است که از بحث‌ها و جدل‌ها و نظرات درون‌گروهی به وجود می‌آید. این نظریه تاحدودی نزدیک به نظریه بازتاب است که لوکاج (نظریه‌پرداز اهل مجارستان) آن را در آثارش بازگو کرده است. از زوایه دید لوکاج و تعدادی از مارکسیست‌ها اثر هنری/ ادبی محصول تاریخ و جریان‌های اجتماعی و زمانه‌ای است که هنرمند در آن زندگی می‌کند. اینجاست که هنرمند قیبل از ایفای نقش و نگاه به جایگاهش باید وظیفه شهروندی خود را به جا آورد. او باید دغدغه‌های اجتماع، زمانه و محیطش را ببیند، بشناسد و بشناساند. برخی آثار پرویز حبیب‌پور (۱۳۱۴ / بندر انزلی) نیز با این تفکر و نظر قابل‌نقد و بررسی است. حبیب‌پور در برخی آثار خود تصویرگر سوز‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوره‌ای است که نقل محفل روشنفکران چپ‌گرا بوده است. برخی آثارش در راه مبارزه‌ای خلق شده‌اند که او و همراهانش با تیغ تیز نقد قصد اصلاح آن را داشته‌اند. برابری طبقاتی، گرفتاری‌های قشر کم‌برخوردار، کودکان محرومی که به اجبار باید کار کنند، زنانی که در جست‌وجوی لقمه‌ای نان برای فرزندان گرسنه‌شان هستند و در طرف دیگر ثروتمندانی که بدون توجه به مصائب ناشی از فقر و گرسنگی هر روز بر سرمایه خود می‌افزایند. هنرمند اینجا چشم و چشمنش را کنار گذاشته و درد مردم را به تصویر می‌کشد. توجه به برابری طبقاتی از جمله مواردی بود که در ایران آن روز سوزوه داغ تعدادی از نویسندگان، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و هنرمندان مبارز آن دوره بود. ژاک رانسیر خلق اثر براساس این طرز فکر را گونه‌ای از زیبایی‌شناسی می‌داند؛ گونه‌ای که معیارهایش را اجتماع و سیاست تعیین می‌کند. برخی آثار قابل‌توجه حبیب‌پور همان آثاری است که بخشی از فرهنگ، سیاست و هویت جامعه از پس از شناسایی و بررسی به تصویر کشیده است. او با نقاشی‌هایش در این گونه هنری- اجتماعی روایتگر تلخی‌ها و شیرینی‌هایی است که در زندگی خود تجربه کرده است. روایت‌هایش از زندگی و زندان در کنار نقاشی‌هایش مخاطب را به روزهایی می‌برد که قهوه‌خانه‌ها و کافه‌ها و محافل ادبی و هنری محل شکل‌گیری بسیاری جریان‌های فکری بوده‌اند. جریان‌هایی که منجر به خلق آثاری قابل‌توجه در حوزه‌های ادبیات و هنر شده‌اند. خوانند شعرها و داستان‌ها و دیدن آثار تجسمی آن دوره برای مخاطب حال حاضر نیز قابل‌تامل است. حبیب‌پور با طرح‌ها و نقاشی‌هایش برایمان روایت می‌کند. پرویز حبیب‌پور برایمان از دوره‌ای می‌گوید که نه‌تنها شاعران و نقاشان بلکه جوانانش نیز با این یونفرم در پی آن بودند که مردم از ظاهر و زرق‌وبرق و تجمل و لباس و مبلمان گران‌بها و نمای درباری به سوزوه تن تمایل پیدا کنند. جایی که بتوان تن متفکر را تبدیل به آرمان کرد و نسه ظاهر را. آثار حبیب‌پور را علاوه بر دیدن باید شنید؛ خاطرات حبیب‌پور مخاطب را با سوز‌های طراحی و نقاشی‌اش بیشتر آشنا می‌کند، سوز‌هایی که نقاش برگزیده تجربه زیسته او را در زندگی و زندان نشان می‌دهد. مخاطب با نگاه به فرم گنجشک‌های طراحی‌شده حبیب‌پور هم‌زیستی هنرمند با آنها را در زندان قزل‌حصار پیدا می‌کند. پری خانم گریه خو گرفته با زندانیان زندان ارومیه و گذر هنرمند از دریاچه ارومیه به‌سوی مقصد (زندان) با کشتی نوح (نام یکی از لنج‌های معروف منطقه) خاطرات هنرمندی است که امروز در قالب نوشتار، گفتار یا تصویر برای مخاطب نقل می‌شوند. روایات حبیب‌پور بخشی از تاریخ شفاهی دوران معاصر ماست. بخشی که برای عده‌ای از ما همچنان جذاب، دیدنی و شنیدنی است. تعدادی از نقاشی‌های این هنرمند با گردآوری، انتخاب و نمایشگاه‌گردانی امیر وارسته در گالری گویه برای علاقه‌مندان به هنرهای دیداری به نمایش درآمده است. روز افتتاحیه با اجرای (پرفورمنس) امیر وارسته نیز همراه بود. افزونه‌ای که همراه با روایت خاطرات پری و گنجشک‌ها، بازدیدکنندگان را به تامل و تعمق بیشتر در آثار پرویز حبیب‌پور وامی‌داشت.

خبر برگزیده

وضعیت؛ مجاله، آویزان و مخدوش

درباره نمایشگاه کاغذین جامعه‌اثر افسانه‌جوادیور در گالری دیدار



ایرانی در دوره‌های مختلف است. در میان راه‌های موزای ساخته‌شده از متون، ما به وقفه‌ای برای گذری هرچند کوتاه بر متون کهن و معاصر محبوبمان وادار می‌شویم و عامل تامل بر صفحات چیزی یا کسی جز نقوش، تاریخ و خود ما نیستیم. هر متن بخشی از ماست که یا جا مانده یا آشکار شده است». این چند سطر شروعی برای توصیف بیشتر درباره نمایشگاه «کاغذین جامعه» اثری از افسانه جوادیور است. جوادیور کاغذها را با نگاه به تاریخی کهن برای بازستانی عشق‌های یافته با اذست‌رفته می‌داند. او با کلمه و فرهنگ به دادخواهی برای عشق‌های خود می‌رود. در هر پرده، کاغذهای یک کتاب مشخص است که از عطف کتاب پاره شده‌اند، در رنگ سیاه خوابانده و مجاله و خشک شده‌اند. برگ‌های مجاله‌شده پس از خشک‌شدن توسط نخ نامرئی به یکدیگر به‌صورت عمودی دوخته شده و از ارتفاع سقف تا کف را پوشانده‌اند. بخش‌هایی از نوشته‌ها قابل‌خواندن هستند اما باقی در پس‌داندن‌های رنگ سیاه یا سیاهی کامل ناخوانا هستند. کتاب‌ها هرکدام شکلی از عشق را تصویر و بیان کرده‌اند که ترتیب آنها در گزاره نمایش آمده است. این ترتیب براساس تاریخ نوشته‌شدن هر کتاب است که ارجاع به اثر مربوطه دارد. هرقدر بیشتر به درون فضا می‌روید به گذشته نیز برمی‌گردید. ایده من در اثر این است که این کتاب‌های عاشقانه که از عشق به دیگری، عشق به وطن و عشق به آزادی را توصیف می‌کنند، در طول قرن‌ها و سال‌ها، همان جامه‌های کاغذی هستند که دادخواهان به نظلّم، شکایت خود را بر آن می‌نوشتند و بر تن می‌کردند اما در تمام این دوران هیچ‌یک به دادخواهی نرسیده است و شکایت بر شکایت چنان نوشته شده و جوهر در جوهر غلتیده که دیگر امکان خواندن تمام آنچه مورد دادخواهی بوده نیز وجود ندارد. به تعبیری گویی از عجز و خشم و استیصال، مردمان جامه کاغذین را نیز بر تن‌ها دریده‌اند. در پایان مسیر، مخاطب با دیواری مواجه می‌شود که با کاغذهایی مجاله اما سرخ، احجامی عمودی را نمایش می‌دهند که الهامی از همان عَلم داد است. دادخواهی مردمان در عشق چنان به سرانجام نرسیده که علم‌ها خود، خونین شده‌اند و با توجه به محل قرارگیری آنها و فاصله کم مخاطب با دیوار، احجام به‌گونه‌ای هجوم آورنده هستند. مخاطب در اینجا نیز می‌تواند به اطراف حجم‌ها برود و نوشته‌های باقی‌مانده از متن‌ها را ببیند. افسانه جوادیور در زیرزمینی تاریک و تنگ، با فضای محدود و صفی از کاغذهای مجاله، آویزان و مخدوش ما را با وضعیتی که امروز با آن مواجه هستیم روبه‌رو کرده است. آنچه در اثر به نمایش درآمده نه یک مشت کاغذ از کتاب‌ها، که انسان با تمامی داشته‌هایش که کلماتش، احساساتش و موجودیتش است قرار گرفته‌اند.

سالوادور دالی، جف کونز، آنتونی جیمز و همچنین هنرمندان دیگر

منطقه‌ای و جهانی به نمایش گذاشته شده است. در این نمایشگاه از تاریخ هفتم فوریه تا ۳۰ سپتامبر با حضور گالری‌های پرسابقه و همچنین هنرمندان جوان برگزار خواهد شد. در متن منتشرشده درباره این نمایشگاه ضمن اشاره به تجربه سال گذشته عنوان شده که نمایشگاه اخیر به‌صورت گسترده‌تر برنامه‌ریزی شده و هدف از برگزاری آن تجربه هنری استثنائی و همه‌جانبه، منطبق با دیدگاه فرهنگی دویی، در دسترس قراردادن هنر برای همه و تثبیت جایگاه امارات به‌عنوان یک مقصد جهانی برای فرهنگ، نوآوری و استعداد بیان شده است. در این رویداد هنرمندانی نیز از ایران شرکت دارند. در نمایشگاه «هارمونی صداهای متفاوت» در مرکز تجارت جهانی دویی «DIFC» اثر «هفت سرو» نیز از سوی تیم کیورتوری این نمایشگاه برگزیده شده و به نمایش درآمده است. این نمایشگاه به مناسبت افتتاح اولین پارک مجسمه در خاورمیانه با تمرکز بر بحث تنوع فرهنگی برنامه‌ریزی شده و ۶۲ اثر از هنرمندان برجسته از کشورها و زمینه‌های فکری مختلف را نمایش می‌هد.

چیدمان هفت سرو از بنفشه همتی که درحال‌حاضر در Difc دویی به نمایش درآمده است، در ادامه مجموعه آثار دیزاین اوست. در استیتمنت اثر همتی این‌طور آورده شده است: «این چیدمان یک «جوهر بزرگ» است که به‌جای بدن انسان در فضا آویخته شده است و اساسا مجسمه‌هایم برایم جواهرات بزرگ هستند. جوهر برای من صرفا بر بدن انسان جای نمی‌گیرد و می‌تواند در مکان‌های دیگر و در ابعادی عظیم‌تر به نمایش درآید. در این مجموعه به فرم سرو در نگارگری ایرانی نظر داشتم و آن را به فرم‌های هندسی هنر گوئیک بدل کردم. از حیث مفهومی هم این سروها برای من نمادی از زنان معاصر هستند که در تعلیق به سر می‌برند. به این خاطر تصمیم گرفتم که نحوه نصب آنها به‌صورت معلق باشد. آنها هم به ادبیات و نگارگری ارجاع دارند و هم به موضوع زنان معاصر.»

بنفشه همتی اهمیت و ظرفیت‌سنجی فضاها و رویدادهای هنری و مجسمه فعالیت می‌کند، تمرکز اصلی او در سال‌های اخیر روی خودسازی و آشنایی‌زدایی از هندسه اسلامی است. صورت چندبعدی شده و هندسی حالتی رازآلود و البته بیانی فلسفی برای آثار او ایجاد می‌کند که علاوه بر حظ بصری ناآگاهانه بیننده را متوجه فرم‌های هنر اسلامی می‌کند. عارف منتظری دیگر شرکت‌کننده ایرانی این رویداد نیز که پیش‌تر در ابوظبی‌آرت ۲۰۲۱ هم شرکت داشت غالبا مجسمه‌هایی انتزاعی خلق می‌کند که بیش از هر چیز بهره‌گیری از خطوط صریح و بعضا در ایجاد فرم جلب توجه می‌کند. آثار عارف منتظری فرم‌هایی متناسب و با ساختاری هندسی هستند که رگه‌هایی از آپ‌آرت را به ذهن متبادر می‌سازند، باوجود به‌کارگیری خطوط شکسته موزای نمایی لطیف و ملایم ایجاد می‌کنند شبیه به هارمونی که در طبیعت با تمام تیزی‌ها و شکست‌ها آرام و موزون است.



سارا کریمان

رویکردهای متاخر دویی در زمینه هنر این شهر را به یکی از پایگاه‌های مهم و جریان‌ساز هنر معاصر جهان بدل کرده است به طوری که بسیاری از گالری‌ها و حراجی‌های مهم دنیا شعباتی در این شهر تأسیس کرده‌اند. از دیگر سو توسعه روزافزون انواع گالری‌ها و فضاهای نمایشگاهی، بستری برای جریان‌سازی و معرفی هنرمندان نوظهور است. درواقع علاوه بر ایفای نقش محوری در سطوح نخست اقتصاد هنر، زمینه‌ساز جریانات معاصر و شناخت و معرفی هنرمندان در حال رشد نیز هست. از این منظر سیاست‌های کلان فرهنگی این کشور دروازه‌هایی را برای ترقی گونه‌های هنری متنوع گشوده است.

اهمیت رویدادهای هنری دویی و نقش واسطه‌گر آن در تعامل جامعه هنری ایران با جهان غیر قابل‌انکار است. چنانچه در مقام یک پایگاه عرصه‌ای را برای نمایش و معرفی هنری با عنوان «هنر خاورمیانه» ایجاد کرده است. این گفتمان هنری علاوه بر ابعاد زیبایی‌شناسی معرف مسائِل و دغدغه‌مندی‌های جوامع خاورمیانه است.

در جهان معاصر اقتصاد خلاق که اقتصاد هنر را می‌توان ذیل آن بررسی کرد، رقابتی مستمر، علمی و هدفمند در راستای پرورش و معرفی هنرمندان جوان و همچنین ایجاد مراکزی با رویکرد نمایش و فروش گنجینه‌های ارزشمند هنری وجود دارد که به دلایل متعدد از جمله مشکلات موجود در دیپلماسی فرهنگی به طرز چشمگیری از فرایندهای جهانی فاصله دارد.

از این رو اهمیت و ظرفیت‌سنجی فضاها و رویدادهای هنری دویی در میان هنرمندان و گالری‌داران ایرانی دوچندان است؛ چراکه در حقیقت با راهیابی به فضاهای هنری دویی عملا امکان ظهور و تعامل در سطح بین‌المللی پدید خواهد آمد، معضلی که از جانب آن همواره هنر ایران در غربت خانگی دچار عدول و آسیب می‌شود. حضور هنرمندان ایرانی علاوه بر اهمیت آن رویداد به مثابه سکوی پرتاب برای ورود به آرت‌فرها و بی‌نیال‌های شاخص جهانی است.

یکی از این رویدادهای قابل‌توجه «قصه‌های زیر دروازه» tales under the gate است. مرکز مالی بین‌المللی دویی DIFC (Dubai International Financial Centre) برای دومین سال پیاپی نمایشگاهی از آثار تجسمی و حجمی را در فضای باز برگزار می‌کند. این باغ مجسمه در سال ۲۰۲۳ نمایشگاهی با عنوان «هارمونی صداهای متفاوت» پیرامون دروازه عظیمی قرار گرفته است. در این نمایشگاه آثاری از هنرمندان مطرح جهان مانند